

مترجمان پیشگام و اندیشه‌ورز توسعه حقوق عمومی ایران در عصر مشروطه: مطالعه موردی یوسف خان مستشارالدوله تبریزی و میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله

چکیده

پیدایش مفهوم قانون ثمره مجاهدت اندیشه‌ورزانی است که سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب مشروطه در این باب قلم رده‌اند. این مقاله به نقش مترجمان دگراندیش و روشنفکر عصر مشروطه در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه تا امضای قانون مشروطیت در دوره پادشاهی مظفرالدین‌شاه (۱۲۲۷ ه.ش - ۱۲۸۵ ه.ش) می‌پردازد؛ دوره‌ای پس از پیروزی انقلاب مشروطه که سیستم حکومتی کشور سلطنت مطلقه و کشور فاقد قانون اساسی و نهادی در جایگاه فره‌مقننه بود. آثار این مترجمان مرتبط با لزوم تدوین قانون در کشور و شکل‌گیری نهادی با عنوان مجلس شورای ملی با هدف از بین بردن استبداد و محدود کردن قدرت شاهان قاجار بود. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع دست اول چون آثار ترجمه‌شده یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی و میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله و همچنین آثار دست دوم و تحلیل محتوایی آن‌ها انجام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که آثار ترجمه‌ای مترجمان دگراندیش در عصر مشروطیت یکی از عوامل مهم آشنایی مردم ایران با مفهوم قانون، درک آن‌ها نسبت به لزوم برقراری حکومتی بر اساس قانون و تدوین قانون در نهادی به نام مجلس شورای ملی در جامعه است. از زمان بود. همچنین، این مترجمان که نسبت به ایجاد و توسعه حقوق عمومی در کشور تأکید داشتند، تمام تلاش خود را در این راه به کار بستند و موجب شدند ترجمه به یکی از عوامل آشنایی مردم ایران با حقوقشان تبدیل شود. نتیجه فعالیت‌های ترجمه‌ای این مترجمان این شد که مردم مصمم شوند با هدف تأسیس حکومتی بر اساس قانون اساسی با یکدیگر متحد شوند، علیه استبداد مبارزه کنند و انقلاب مشروطه ایران را رقم بزنند که در نهایت تلاش و مبارزاتشان به امضای برقراری حکومت مشروطه توسط مظفرالدین‌شاه، تدوین اولین قانون اساسی ایران و شکل‌گیری مجلس شورای ملی ختم شد.

کلمات کلیدی: ترجمه، مترجمان دگراندیش، عصر مشروطه، قانون، مستشارالدوله، میرزاملکم‌خان

دودمان قاجار حدوداً از ۱۱۶۸ ه.ش. تا ۱۳۰۴ ه.ش (حدود ۱۳۶ سال) بر ایران حکومت کرد. در طول این مدت هفت پادشاه به قدرت رسیدند: آقا محمدخان، فتحعلی شاه، محمد شاه، ناصرالدین شاه، مظفردالدین شاه، محمدعلی شاه و احمدشاه. ایران در اواسط قرن نوزدهم میلادی کشوری عقب‌مانده بود. جمعیت ایران به بیش از پنج میلیون نفر تجاوز نمی‌کرد (Abrahamian, 1979) و بیش از ۹۰ درصد همین تعداد جمعیت هم بیسواد بودند (Fard Saidi, 1974) و فقر و خرافات در جامعه بیداد می‌کرد (نک. شمیم ۱۳۸۴). «مالیات‌های سنگینی که بر مردم وضع می‌شد، غارت ثروت کشور توسط شاهان قاجار، اعطای امتیاز به قدرت‌های اروپایی و امثالهم زندگی مردم ایران را که با فقر دست و پنجه نرم می‌کردند، فلاکت‌بار کرده بود» (Farahzad & Adili, 2019, p.9).

نظام سیاسی کشور سلطنت مطلقه بود که در آن قدرت در دست شاه متمرکز می‌شد. حکومت شاهان قاجار فراقانونی بود و برای اعمالشان پادشاهی کسی نبودند. از نظرشان مردم رعیت محسوب می‌شدند که هیچ نوع حق و حقوقی نداشتند. با اینکه شاهان قاجار در مسند قدرت بودند ولی خطمشی سیاسی آنها بر پایه تفرقه‌افکنی بود (Abrahamian, 1982). آنان خود را ظل‌الله (سایه خدا) و نماینده خدا روی زمین معرفی می‌کردند و تأکید داشتند که مشروعیتشان منشأ الهی دارد. بنابراین، «هر نوع مخالفت علیه حکومت را کفر و قیام علیه اسلام قلمداد می‌کردند» (Tavakoli Targhi, 1988, pp. 16-17) که به شدت سرکوب می‌شد. غارت ثروت کشور توسط شاهان قاجار، وضع مالیت‌های سنگین بر مردم، ظلم و ستم شاهان و درباریان، نابرابری و بی‌عدالتی، نبود آزادی بیان، عدم وجود قانون و نهادهای قانونی، استبداد و استعمار و غیره سبب شد در برخی از مردم به ویژه افراد تحصیلکرده تلنگرهای فکری ایجاد شود. این افراد تحصیلکرده که عمدتاً از فرانسه برگشته بودند و با قانون آن کشور آشنایی داشتند، تبدیل به مترجمان، به ویژه مترجمان دگراندیشی شدند که سعی کردند از طریق ترجمه آثار غربی مرتبط با مسائل کشور، راه‌حل آنها را از زبان‌های مختلف به فارسی ترجمه کنند (عدیلی، ۱۴۰۴).

مترجمان دگراندیش آزادخواهانی بودند که اکثرشان به دلیل استبداد، خفقان و نبود آزادی بیان در کشور، تبعید خودخواسته را پذیرفته و به کشورهای دیگر از جمله امپراتوری عثمانی، مصر، هند، انگلیس و ... مهاجرت کرده بودند. آنان مستقل و خارج از کنترل حکومت در جهت روشنگری و افزایش آگاهی مردم دست به ترجمه کتاب‌های ممنوعه و همینطور انتشار روزنامه‌های تبعیدی می‌زدند که به صورت قاچاق به ایران می‌رسید و در شهرها و ولایات پخش می‌شد (عدیلی، ۱۴۰۴). در نتیجه، ترجمه به یکی از ابزارهای ورود افکار مترقی غربی تبدیل شد که در جهت روشنگری و افزایش آگاهی مردم به کار گرفته شد؛ هرچند مسیری را که این مترجمان خودخواسته برگزیده بودند، مسیر آسانی نبود و حتی برخی از جان خود در این راه مایه گذاشتند.

با وجود همه سختی‌ها، تلاش این مترجمان تأثیر شگرفی در عصر پیشامشروطه و حتی پس از انقلاب مشروطه داشت که نتیجه آن را می‌توان در مفاد قانون اساسی مشروطه مشاهده کرد. آشنایی با آثار، افکار و اندیشه‌های این مترجمان سبب می‌شود درک بهتری از تلاش‌های ایرانیان آن دوره در جهت توسعه حقوق عمومی ایران به دست آید. از جمله این مترجمان می‌توان به میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی و میرزاملکم خان ناظم‌الدوله، دو مترجم دگراندیش روشن‌فکر عصر مشروطیت اشاره کرد که آثار و افکارشان تأثیر زیادی بر اراده جامعه ایرانی جهت تشکیل مجلس شورای ملی، تدوین قانون اساسی و محدود کردن قدرت شاه داشت و هدف این پژوهش، نیز پرداختن به آثار و اندیشه‌های این دو مترجم دگراندیش است.

مقالات متعددی راجع به متمکرانی به رشته تحریر درآمده است که در عصر مشروطه به نظریه‌پردازی راجع به حقوق عمومی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان از مقاله راسخ و بخشی‌زاده (۱۳۹۲) نام برد که به نظریات میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله راجع به سلطنت مطلقه غیرمنظم و سلطنت مطلقه منظم و قانونی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که هرچند این نظریات منشئت به نظر می‌رسند اما به دگراندیشی‌های جدی انجامید و در واقع نطفه مفهوم قانون را در عصر مشروطه منعقد کرد. معاذاللهی نیز در مقاله خود شرحی راجع به ترجمه‌های مقاومتی در برابر استبداد ناصرالدین شاه ارائه می‌کند و با تحلیل رساله موسوم به یک کلمه اثر تألیفی و ترجمه‌ای مستشارالدوله به این نتیجه می‌رسد که مستشارالدوله در جایگاه مترجم دگراندیش با حذف و اضافه کردن و دستکاری در متن اصلی به منظور سازگار کردن آن با شریعت اسلامی توانست کلان‌روایت‌های جایگزینی نظیر آزادی و قانون را به جمعیت‌های روایی معرفی کند (Maazallahi, 2021).

پژوهش حاضر از این جهت با پژوهش‌های پیشین تفاوت دارد که نشان می‌دهد مفاهیم مربوط به حقوق عمومی از طریق ترجمه آثار غربی وارد زبان فارسی و جامعه ایران شد. به همین منظور از دیدگاه مطالعات ترجمه به دو مترجم دگراندیش عصر پیشامشروطه پرداخته است؛ مترجمانی که با ترجمه آثار مربوط به مسائل حقوق عمومی، نشر این آثار و ترویج مفاهیم مرتبط، می‌توان از آن‌ها به عنوان اندیشه‌ورزان بیشگام در توسعه حقوق عمومی ایران در عصر مورد پژوهش یاد کرد که تا کنون از این دیدگاه چندان به این موضوع پرداخته نشده است.

۲. خط مشی فکری یوسف خان مستشارالدوله تبریزی و میرزاملکم خان ناظم‌الدوله

مهمترین ویژگی خط مشی فکری این دو مترجم دگراندیش، تفسیر مدرنیته غربی بر اساس اسلام و سنت‌های اسلامی بود. آنان سعی داشتند مدرنیته را در پوشش اسلام و قوانین شریعت به ایرانیان معرفی کنند چون بر این باور بودند که «ساختار اجتماعی ایران دینی است و علما و روحانیت و ارزش‌های دینی نیروی مؤثر آن به شمار می‌رود. بنابراین تجدد برای ورود به زندگی اجتماعی و سیاسی ایرانی باید در لباس و تعبیر دینی قرار

بگیرد.» (عیسی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص. ۳۵۴)؛ به همین دلیل، آنان افکار آزادیخواهانه خود را در قالب مفاهیم آشنای مذهبی ارائه، و تلاش می‌کردند تا علما و روحانیون شیعه را متقاعد کنند که افکار جدید مغایر با اسلام نیست تا با همکاری علما در ارائه ایدئولوژی‌های مشابه، مردم را با خود متحد کنند. با این حال، تلاش این مترجمان برای تطبیق دادن اندیشه‌های غربی با شریعت اسلامی سبب برداشت اشتباه علما راجع به قانون و حکومت مشروطه شد (Haeri, 1977). چرا که «یک قانون اساسی دموکراتیک صرفاً کتابی نیست که توسط شخص یا مجموعه‌ای از افراد در چارچوب یک دین خاص ساخته شده باشد. بلکه ممکن است شامل قوانینی باشد که قوانین دینی را نقض کند» (Haeri, 1977, p.201). در ادامه با معرفی و تحلیل آثار ترجمه‌شده یوسف‌خان مستشارالدوله تبریزی و میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، سهم آن دو در تبیین مفاهیم حقوقی و معرفی آن‌ها به جامعه شرح داده می‌شود.

۳. یوسف خان مستشارالدوله تبریزی

مستشارالدوله از متفکران برجسته آزادخواه در عصر پیشامشروطه به شمار می‌رود. وی در پی قانون و دموکراسی بود و در توسعه نظریه حکومت مشروطه برای ایران تأثیرگذار بود. تلاش‌های بی‌وقفه او برای اجرای قانون سبب شده بود که دشمنانش همیشه در پی آسیب رساندن به او باشند. هنگامی که مقالاتی در انتقاد از سیستم قضایی ایران در روزنامه /ختر، از مهمترین روزنامه‌های تبعیدی منتشره در استانبول، چاپ شد، مستشارالدوله به انتشار آن مقالات متهم و به دستور ناصرالدین شاه دستگیر شد و به زندان افتاد (آرین‌پور، ۱۳۵۰).

مستشارالدوله سال‌های زیادی را در اروپا زندگی کرد؛ بنابراین به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و روسی مسلط و با آثار فیلسوفان و دانشمندان غربی مانند ژان ژاک روسو^۱، ولتر^۲ و جان لاک^۳ آشنا شد (نک. سلیمانی دهکردی و رفعتی‌پناه مهرآبادی، ۱۳۹۳). حاصل این آشنایی، ترجمه و تألیف کتاب مشهوری به نام رساله موسوم به یک کلمه بود که اقتباسی است از قانون اساسی انقلابی فرانسه ۱۷۹۱ و اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹، «همراه با ترجمه فصل‌هایی از مجموعه قوانین ناپلئون که از فرانسوی به فارسی ترجمه شده است» (آذرنگ، ۱۳۹۴، ص. ۲۸۱). رساله موسوم به یک کلمه به بحث درباره حکومت دموکراتیک و حقوق اساسی افراد می‌پردازد و می‌توان آن را یکی از اولین و تأثیرگذارترین آثار ترجمه‌ای-تألیفی آزادیخواهان ایرانی دانست که تأثیر زیادی در بیداری مردم ایران در عصر مشروطه داشت. این اثر که هدف اصلی آن تطبیق شریعت اسلامی

¹Jean-Jacques Rousseau

²Voltaire

³John Locke

با قوانین غربی بود، محبوبیت زیادی پیدا کرد و مورد توجه گسترده لیبرال‌ها، روشنفکران و مبارزان آزادیخواه قرار گرفت.

مستشارالدوله (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش) در کتاب خود بیان می‌کند که انتظام و اقتدار لشکر، آبادی، رفاه مردم و پیشرفت علم را در کشورهای اروپایی که در آنجا اقامت داشته، از جمله انگلیس و فرانسه، به چشم دیده و متوجه شده است که دلیل ترقی این ممالک عدالت است و متذکر می‌شود:

با اینکه بنیان دین اسلام مبنی بر عدالت و انصاف است و با اینکه در چندین جای قرآن مجید خدای تعالی عدل را ستوده و سلاطین و حکام اسلام نیز هیچوقت منکر عدل نبوده‌اند، پس چرا ما چنین عقب‌مانده و چنانچه اینطور از عالم ترقی خود را دورتر داشته‌ایم. (ص. ۴)

در ادامه، مستشارالدوله (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش) دلیل این ترقی و بنیان نظم در ممالک اروپایی را در یک کلمه خلاصه می‌کند که از نظر وی «جمع انتظامات فرنگستان در آن درج شده است و آن کتاب قانون نام دارد که در زبان فرانسه به آن *لووا*^۱ می‌گویند و خود *لووا* مشتمل بر چند بخش است که *کود*^۲ نامیده می‌شود. بنابراین آشنایی مستشارالدوله با سیستم‌های حکومتی مشروطه غربی، او را به این درک رساند که راز رشد و پیشرفت کشورهای اروپایی در قوانین مدون و نظام‌های حقوقی آنها نهفته است و دریافت که استقرار سلطنت مشروطه تنها راه رهایی ایران از استبداد است. بنابراین، او ترجمه قانون اساسی فرانسه را مهم دانست و در این کار با استناد به آیات و روایات، احکام دینی را به قانون اساسی فرانسه پیوند داد. هدف او نشان دادن سازگاری قانون اساسی فرانسه با شریعت اسلام بود (Javadi, 2017). مستشارالدوله (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش، ص. ۶۰) در کتاب خود راجع به ترجمه فصول حقوق عامه فرانسه بیان می‌کند:

فصول مذکوره اگرچه حقوق عامه فرانسه نام دارد ولی در معنی حقوق عامه مسلمانان بر کل جماعت متمدنه است و چون جمیع آنها با احکام و آیات قرآنیه مؤید آمده پس احکام الهی است و واجب است که آنها را بعمل آوریم و با احکام الهی امتثال کنیم.

او هر بند قانون اساسی فرانسه را که ترجمه می‌کرد، با آیات متعددی از قرآن و روایات ربط و آن را پذیرفتنی نشان می‌داد. توضیحات مستشارالدوله در مورد نظام حکومتی، برابری و آزادی‌های اجتماعی، بر اساس موازین دموکراتیک غربی الگوبرداری شده بود؛ با این حال، وی به آیات و روایات مختلف قرآنی استناد می‌کرد، زیرا قصد داشت نشان بدهد که اندیشه مدرن را می‌توان در اسلام یافت و به این ترتیب تلاش می‌کرد، هم پادشاه

¹ Loi

² Code

حاکم و هم علمای شیعه را که نفوذ زیادی در جامعه داشتند متقاعد کند که نه تنها اندیشه اصلاحات، حکومت قانون و حکومت مشروطه با شریعت اسلامی مغایرتی ندارد بلکه می‌توان آنها را در قرآن و روایات یافت.

در بخش مربوط به «فصل در حقوق عامه فرانسه»، مستشارالدوله (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش) بیان می‌کند که همه قوانین فرانسه مشتمل بر ۲۱ فصل است و در نظامنامه حکومت که کنتسی‌توسیون^۱ نام دارد عبارتی وجود دارد که او آن عبارت را این‌گونه ترجمه کرده است: «این کنتسی‌توسیون شناخت و تصدیق و تکفل کرد آن اصول کبیره را که در سال هزار و هفتصد و هشتاد و نه اعلان شده بود، آن اصولی که اساس حقوق عامه مردم فرانسه است. (ص: ۱۸۰)» سپس ذکر می‌کند که وی آن اصول کبیره و اساسیه را تفحص کرده و ترجمه آن فصول را به فارسی برگردانده است. پس از درج ترجمه اصول کبیره اساسیه فرانسه، مستشارالدوله (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش) به توضیح تک‌تک آن اصل‌ها در فصول جداگانه می‌پردازد که در اینجا به ترجمه اصل یک اشاره می‌شود که وی آن را به صورت «مساوات در محاکمات در اجرای قانون» به فارسی برگردانده است. سپس در صفحه ۲۱ کتاب، با توضیحات زیر ترجمه اصل یک را برای مردم تبیین می‌کند:

فصل اول که عبارت است از مساوات در محاکمات و مراعات در اجرای قانون، یعنی اجرا شدن احکامی که در قانون نوشته شده در حق اعلی و ادنی، وضیح و شریف قوی و ضعیف بطریق مساوات باشد و بهیچوجه امتیاز نداشته باشد، اگرچه مدعی و مدعی‌الیه ذات امپراطور باشد حکم قانون بر او چون دیگران نافذ است. ملاحظه باید کرد این قضیه را که بر اقامت عدل و انصاف چقدر مدخلیت دارد، و در دین مقدس اسلام اساس همین است. (ص: ۲۱)

مستشارالدوله (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش) سپس با استناد به آیاتی از قرآن (سوره نسا آیه ۵۸، سوره نحل آیه ۹۰، آیه ۴۲ و ۴۴ سوره مائده، آیه ۱۵۲ سوره انعام، آیه ۲۶ سوره ص) که در رابطه با اجرای عدالت و رفتار عادلانه با مردم است این سؤال را مطرح می‌کند که کدام حاکم در ممالک اسلامی کتاب قانون در دست دارد و بر اساس آن با رعایا رفتار می‌کند؟ و ادامه می‌دهد که حاکمان در اجرای مجازات نه تنها به میزان جرم توجه ندارند، بلکه به میل خود هر آنچه بخواهند برای مجازات تعیین می‌کنند و با صدور احکامی ظالمانه با مردم زیردست با خشونت رفتار می‌کنند؛ اگر حاکم قسی‌القلب باشد محکوم در زمان اجرای مجازات می‌میرد یا بنص عضو می‌شود.

مستشارالدوله (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش، ص: ۲۰-۱۹) با ترجمه فصل یازدهم به صورت «حریت سیاسیه، یعنی اهالی حق دارند در انتخاب وکلا و نواب برای دیوان کوراژی‌سلاطیف^۲، یعنی دیوان قانون‌گذار که در مقابل دیوان دولت است» بر حق طبیعی مردم برای مداخله، بحث و نظارت بر اقدامات دولت از طریق نمایندگان منتخب

¹ Constitution

² Corps Legislatif

خود با برگزاری انتخابات تأکید داشت و با ترجمه فصل سیزدهم (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش، ص. ۴۶) به صورت «تفریق قدرت تشریح از قدرت تنفیذ» از وضع و تنظیم قوانین در قوه مقننه و اجرای آن قوانین در قوه مجریه و تفکیک و استقلال این دو قوا از هم حمایت کرد.

با توجه به آنچه که در ترجمه اصل یک ذکر شد، مشخص می‌شود که مستشارالدوله دغدغه برابری در برابر قانون را داشت و بر این باور بود که با همه افراد، از رعیت گرفته تا شاه، باید در محضر قانون به طور یکسان برخورد کرد. او تأسیس عدالتخانه در ایران را به منظور اجرای قانون یک ضرورت می‌دانست. رساله موسوم به یک کلمه که بر اثر ابری شاه و رعایا تأکید داشت، خشم ناصرالدین شاه را برانگیخت و به دستور او، مستشارالدوله دستگیر و در قزوین زندانی شد؛ در آنجا او را به شدت شکنجه کردند، و آنقدر نسخه‌ای از کتابش را به سرش کوبیدند که ضربات وارده به سرش، به چشمانش آسیب رساند، به طوری که از ورم چشم رنج می‌برد و سرانجام قدرت بینایی‌اش را در راه ترویج اندیشه‌اش از دست داد و در فقر و تنگدستی درگذشت (آرین‌پور، ۱۳۵۰؛ آذرنگ، ۱۳۹۴). به گفته آذرنگ (۱۳۹۴، ص. ۲۸۱):

یک کلمه به سبب دامنه گسترده تأثیر و محتوایش، بیانیه آزادیخواهی و مشروطه‌طلبی قلمداد شده است [...] یک کلمه را می‌توان در کنار اثری قرار داد که حکومت‌های مستبد را به وحشت می‌انداخت. ترجمه و تألیف این کتاب در برانگیختن احساس مردم در نزره مشروطیت مؤثر بود. در انجمن‌های سری مشروطه‌خواهان به‌سان راهنمای سیاسی به آن می‌نگریستند. در تدوین قانون اساسی مشروطه از آن الهام گرفتند و پس از عصر قاجاریه، در دوره پهلوی اول و بنیادگذاری پیمانانه جدید دادگستری در دوره وزارت علی اکبر داور، از متن‌های الهام‌بخش و مؤثر بود.

لازم به ذکر است، اگرچه رساله موسوم به یک کلمه محبوبیت گسترده‌ای پیدا کرد، اما با انتقاد تند برخی از روشنفکران آن دوره مواجه شد. مثلاً می‌توان از میرزا فتحعلی آخوندزاده، روشنفکر سلاولار و رادیکال، نام برد که در نامه‌ای سرگشاده به مستشارالدوله، از تلاش‌های او برای تطبیق قوانین اسلامی با سیستم‌های قضایی مدرن اروپایی انتقاد کرد (نک. Seyed-Gohrab & McGlinn, 2007).

در سال ۱۲۶۸ ه.ش، مستشارالدوله در نامه‌ای انتقادی و مفصل به مظفرالدین میرزا، ولیعهد ناصرالدین شاه، درباره معایب استبداد صحبت کرد و از او خواست آنچه را که در رساله موسوم به یک کلمه تدوین کرده است، به کار گیرد. او به ولیعهد هشدار داد که اگر دولت ایران قصد اجرای قانون را نداشته باشد، خود مردم آن را با خشونت مطالبه خواهند کرد. مستشارالدوله یکی از شجاع‌ترین تجددخواهانی بود که دغدغه‌اش رهایی ایران از استبداد بود؛

«یک کلمه» مستشارالدوله و نامه‌اش هر دو حاوی اظهارات جسورانه‌ای خطاب به پادشاه و دولت حاکم هستند. در زمانی که پادشاه قدرت مطلق بر کل کشور داشت و هر صدای انتقادی با مرگ خاموش می‌شد، مستشارالدوله راه حل جایگزینی را ارائه می‌دهد که آزادی بیشتری به افراد می‌داد و جایگاه پادشاه را نیز تضمین می‌کرد (Seyed-Gohrab & McGlenn, 2007, p. xi).

باید توجه داشت که مستشارالدوله در باطن با باورهای مذهبی رایج در جامعه ایران مخالف بود و به جدایی دین از سیاست اعتقاد داشت، اما مجبور بود افکار اصلاح‌طلبانه خود را در پوشش اسلامی بیان کند زیرا می‌دانست منفکرانی چون او هنوز جایگاهی در بین مردم ایران ندارند؛ علاوه بر این، از فضای مذهبی حاکم بر جامعه ایران و همچنین قدرت و نفوذ علما در متحد کردن مردم به خوبی آگاه بود، بنابراین مجبور بود برای باورهای مذهبی ارزش قائل شود تا از نفوذ علما برای پیشبرد افکار مترقی خود استفاده کند (خلخالی و پوزش، ۱۳۹۵). حائری معتقد است

مستشارالدوله که قصد ایجاد سازگاری بین شریعت اسلامی و ارزش‌های اروپایی را داشت، در تطبیق دادن آنها جدی نبود؛ وی قطعاً دریافته بود که این دو موضوع، اسلام و مشروطیت، با هم متفاوتند؛ اما از سوی دیگر، دریافته بود که مردمش پنداری ایده‌هایی با رنگ و بوی اسلامی هستند. بنابراین، کوشید تا اندیشه مدرن را با قرآن و حدیث بیاراید تا ... [کسی] گوید که فلان چیز ضد اسلام است، یا اسلام با پیشرفت و تمدن مخالف است (Haeri, 1977, p. 36-37).

۴. میرزا ملکم خان ناظم الدوله

میرزا ملکم خان با بورسیه دولتی در فرانسه تحصیل کرد و سپس به ایران بازگشت و به استخدام دولت درآمد. وی ابتدا به عنوان مترجم شفاهی و سپس به عنوان معلم در دارالفنون، اولین مدرسه پلی‌تکنیک تهران مشغول به کار شد. ملکم خان مترجم خصوصی ناصرالدین شاه هم شد و مطالب مختلفی را از نشریه‌های اروپایی برای وی ترجمه کرد (آذرنگ، ۱۳۹۴). ملکم خان از اندیشمندان تأثیرگذار در دوران مشروطه بود و از جمله افرادی در دوره مورد پژوهش محسوب می‌شود که مفاهیمی چون آزادی، حکومت مشروطه، قانون و پارلمان را وارد جامعه ایران کرد. اگرچه تناقضات زیادی در نوشته‌های او دیده می‌شود، اما افکار او الهام‌بخش سازندگان انقلاب مشروطه ایران بود. ملکم در طول تحصیلات خود در خارج از کشور با آثار برخی از فیلسوفان و محققان اروپایی آشنا شد و تحت تأثیر دکترین پوزیتیویسم^۱ آگوست کنت^۲، قرارداد اجتماعی و قانون^۳

¹ doctrine of positivism

² Auguste Comte

³ social contract and law

مونتسکیو^۱، فلسفه آزادی^۲ جان استوارت میل^۳ و محدودیت وظایف حکومت^۴ جان لاک قرار گرفت (نک. اصیل، ۱۳۷۶؛ اصیل، ۱۳۸۴؛ Rokni, 1987؛ Shahriari, 2017). او مطالب زیادی را از فرانسوی و انگلیسی به فارسی ترجمه کرد: نظیر کتاب درباره آزادی^۵ اثر جان استوارت میل، و کتابچه موسوم به پولاتیکای دولتی که از منابع فرنگی ترجمه و بر پایه این منابع آن را تألیف کرد (آذرنگ، ۱۳۹۴).

ملکم خان که دغدغه آزادی در ایران را داشت کتاب جان استوارت میل راجع به آزادی را با عنوان تصنیفات حکیم انگلیسی جان استوارت میل به فارسی برگرداند. جان استوارت میل در این کتاب اشاره می‌کند که آزادی یکی از مهمترین حقوق اساسی بشر است و در مورد آزادی‌های فردی و اجتماعی انسان بحث می‌کند. در بخشی از ترجمه این کتاب (۱۳۰۱، صص. ۳۲۰-۳۱۹) ملکم این‌گونه ترجمه می‌کند:

[...] بدانید و آنگاه باشید که هر فردی از افراد نوع بشر که بر عالم وجود قدم نهاده است باید بحکم عقل سلیم از نعمت حریت کامله بهره‌مند باشد، حریت کامله دو قسم است یکی حریت روحانیه است و دیگر حریت جسمانیه. حریت روحانیه ما را اولیای دین عیسوی از ما گرفته است [...] و حریت جسمانیه ما را فرمان‌روایان دیسبوتی یعنی ظالمان از دست گرفته [و] ما را در این حیات دنیویه بالمره محکوم فرمایشات خودشان کشانده. بر طبق مشتهیهات نفوس خودشان ما را بارکش انواع و اقسام تحمیلات و تکالیف شاقه نموده‌اند. در این ماده نیز ما عبد ذلیل و بندگان بی‌اختیار ظالمان بوده از نعمت آزادی بی‌بهره‌ایم.

این افکار بر فعالیت‌های سیاسی ملک‌خان نیز مؤثر بوده است. وی پنج سال پس از بازگشت به ایران، در یک مأموریت سیاسی به عنوان مترجم مخصوص به استامبول اعزام و بعدها مت‌جم مخصوص سفارت‌خانه ایران در استانبول هم شد. در این مأموریت سیاسی، ملک‌خان با «تنظیمات» و «قانون» آشنا می‌شود که به تازگی در قلمرو عثمانی باب شده بود. وی تحت تأثیر آن «تنظیمات» و «قانون» که به زبان ترکی عثمانی بود، قرار گرفت به طوری که کمی بعد بر فعالیت‌های سیاسی وی تأثیر گذاشت و سبب شد رساله‌ای را با عنوان کتابچه غیبی یا مجلس تنظیمات به رشته تحریر درآورد.

میرزا ملک‌خان در فعالیت‌های سیاسی خود سه مرحله متمایز را پشت سر گذاشت. مرحله اول که سی سال اول فعالیت‌های سیاسی وی را در بر می‌گیرد، اندیشه‌های سیاسی‌اش با برخی اصلاحات محدود مانند اصلاحات رایج در امپراتوری عثمانی که پیشتر به آن اشاره شد، آغاز می‌شود. در این مرحله، رویکرد ملک‌خان

¹ Montesquieu

² philosophy of liberation

³ John Stewart Mill

⁴ limitation of government duties

⁵ On Liberation

به نوسازی سیاسی از بالا بود. به عبارت دیگر، او به ایجاد شکلی از دولت‌سازی می‌اندیشید که در آن انجام اصلاحات و تغییر ساختار سیاسی از شاه و دولتمردانش آغاز می‌شد. وی در این رساله طرح مشخصی برای چنین رویکردی تدوین کرد (خلخالی و پوزش، ۱۳۹۵؛ Shahriari, 2017). ملکم‌خان (۱۲۹۹ ه.ق / ۱۲۶۰ ه.ش، ص. ۸۶) در مجلس تنظیمات دولت ایران را به باد انتقاد می‌گیرد و می‌نویسد:

[...] مانع اصلی مانع مطلق واحد ترقی ایران در نقص ترکیب دولت است. هیچ نمیتوان تصور کرد که ترکیب دولت ایران مجمع چه معایب عجیب و اسباب چه ضررهای بزرگ بوده است. جمیع ذلتها و خرابیها و انقلابات ایران بلاحرف حاصل معایب این دستگاه است [...].

ملکم‌خان برای تشویق شاه به انجام اصلاحات، تنها با ایجاد نوعی نظم ساده برای محدود کردن قدرت شاه و همچنین کنترل درباریان و حاکمان محلی در چارچوب برخی قوانین و مقررات، سعی در تعدیل استبداد داشت (اصیل، ۱۳۷۶). او حکومت‌ها را به جمهوری و پادشاهی، و پادشاهی را به مطلقه و مشروطه طبقه‌بندی کرد و از آنجایی که از ماهیت استبداد و حساسیت‌های شاه به تغییرات اساسی آگاه بود، نمی‌خواست خشم ناصرالدین شاه را برانگیزد به همین دلیل بیان می‌کرد که پادشاهی مشروطه برای ایران مناسب نیست (اصیل، ۱۳۷۶). بنابراین سلطنت مطلقه را به دو دسته تقسیم کرد: سلطنت مطلقه منتظم و سلطنت مطلقه غیرمنتظم. او با در نظر گرفتن شرایط کشور در آن زمان، استدلال می‌کرد که سلطنت مطلقه منتظم شکل ایده‌آلی از حکومت برای ایران است. در این نوع حکومت، قدرت استبدادی شاه که اختیار وضع قوانین را داشت، در رأس هرم سیاسی بلامنازع باقی می‌ماند، اما ملکم‌خان در راستای سلطنت مطلقه منتظم، از ضرورت وضع و اجرای قانون و جدایی قوه مقننه از قوه مجریه سخن می‌گفت (Algar, 1973). میرزا ملکم‌خان مجلس تنظیمات را که در آن قوانین دولت وضع می‌شد و مجلس وزرا را که اختیار اجرای قوانین را داشت، معرفی کرد که ریاست هر دو شورا بر عهده شاه بود (Shahriari, 2017, pp. 34-36). اصیل (۱۳۷۶) معتقد است که این طرح مغایر با اصول دموکراسی بود و با نیت واقعی ملکم‌خان سازگاری نداشت، اما وی مجبور بود محافظه‌کار باشد، چرا که ممکن بود با واکنش خشونت‌آمیز ناصرالدین شاه مواجه شود و جان خود را به خطر بیندازد.

با این حال، در مرحله دوم فعالیت سیاسی، که به سال‌های پس از اختلاف میرزا ملکم‌خان با ناصرالدین شاه و اقامت وی در انگلیس برمی‌گردد، بر نوسازی از پایین اصرار داشت. در طی اقامتش در انگلیس، توانست نیت واقعی خود را در مورد نظام پارلمانی بیان کند، طرح روشن‌تری برای حکومت قانون ارائه دهد و از طریق انتشار روزنامه‌ای به نام قانون، به اصول مشروطیت نزدیک شود. در این روزنامه او آزادانه در مورد ارزش‌های ضد استبدادی، دموکراسی، قانون، پیشرفت، ارزش‌های دینی، عدالت، برابری، آزادی، وحدت، استقلال و غیره صحبت می‌کرد. مفاهیمی که تا پیش از این در جامعه ایران مطرح نشده بود و مترجمان دگراندیشی چون او

به دلیل آشنایی با زبان‌های فرنگی و از طریق مطالعه و ترجمه آثار غربی این مفاهیم را وارد ساحت سیاسی - اجتماعی جامعه ایران می‌کردند.

ملکم‌خان در روزنامه خود، ساختار سیاسی ایران را مورد انتقاد قرار می‌داد و برخی از ارزش‌های دموکراتیک را به عنوان جایگزین ارائه می‌کرد. («او از حکومت قانون، نظام پارلمانی و سلطنت مشروطه حمایت می‌کرد و آن‌ها را حقوق طبیعی یک جامعه می‌دانست.» (سرایبی و هاشم زهی، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۳). جوهره فکری ملکم‌خان در این مرحله، نوسازی سیاسی ساختار استبدادی ایران بر اساس قانون بود، زیرا او علت اصلی وضعیت آشفته کشور را استبداد می‌دانست که ریشه در بی‌قانونی داشت. ملکم‌خان در اولین شماره از روزنامه *قانون* که در ماه رجب ۱۳۰۲ (ابن‌فند ۱۲۶۸) چاپ شد، در صفحه اول این‌گونه می‌نویسد:

ایران مملو است از نعمات خداداد. چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است. هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می‌کنیم بدون قانون. سرتیپ معزول می‌کنیم بدون قانون. حقوق دولت را می‌فروشیم بدون قانون. بندگان خدا را حبس می‌کنیم بدون قانون. خزانه می‌بخشیم بدون قانون. شکم پاره می‌کنیم بدون قانون.

سپس در ادامه و در صفحه سوم همین شماره اعلام می‌کند که تمام اموری که دولت انجام می‌دهد باید بر اساس و موازین قانونی باشد:

جميع حرکات دولت بعد از این باید مبنی بر قانون باشد. عزل و نصب عمال باید موافق قانون. تحصیل مالیات موافق قانون. محاکمات موافق قانون. حبس موافق قانون. جزا موافق قانون. مصارف دولت موافق قانون. حکمرانی، سلطنت موافق قانون. سختی و عدالت فرمایش و ادبانهت همه باید بحکم قانون باشد.

او استبداد و هرج و مرج را جدایی‌ناپذیر می‌دانست و استدلال می‌کرد که برای غلبه بر هرج و مرج، استبداد باید از طریق حکومت مبتنی بر قانون ریشه‌کن شود. وی بر این باور بود که نظام استبدادی باعث فساد و هرج و مرج و در نهایت منجر به فروپاشی دولت می‌شود (خلخالی و پوزش، ۱۳۹۵). ملکم‌خان ساختار سیاسی ایران را با کشورهای اروپایی مقایسه می‌کرد و ساختار سیاسی آن کشورها را دلیل اصلی پیشرفت آن کشورها می‌دانست (Shahriari, 2017). وی مردم را به نافرمانی مدنی، اعتصاب و تظاهرات علیه حکومت فاجار دعوت می‌کرد، اما با هرگونه انقلابی مخالف بود و باور داشت که محتمل‌ترین راه برای اصلاحات سیاسی، برقراری حکومت قانون است (خلخالی و پوزش، ۱۳۹۵).

وی در صفحه چهارم از شماره دوم این روزنامه که در شعبان ۱۳۰۷ (فروردین ۱۲۶۹) منتشر شد، قانون را این‌گونه تعریف می‌کند:

قانون عبارت است از اجتماع قوای احاد، یک جماعت بجهت حفظ حقوق عامه. قانون باید مبتنی بر اصول عدالت باشد. اصول عدالت را خدا و حکما و عقلای بنی آدم بمرور ایام مقرر و روشن فرموده‌اند. قانون زبان و زور عدالت است و زور عدالت حاصل نمیشود مگر باتفاق عامه. اگر قانون و عدالت می‌خواهیم باید حکماً با هم اتفاق نماییم.

مرحله پایانی فعالیت سیاسی میرزا ملکم‌خان، به سال‌های پس از ترور ناصرالدین شاه و جانشینی مظفرالدین شاه معطوف می‌شود؛ دوره‌ای که مظفرالدین شاه ملکم‌خان را به عنوان سفیر در رم منصوب کرد. در این مرحله، ملکم‌خان انتشار روزنامه قانون را متوقف کرد و به دلیل روابط دوستانه‌اش با مظفرالدین شاه، دوباره بر نوسازی ساختار سیاسی ایران از بالا تأکید کرد (خالخالی و پوزش، ۱۳۹۵).

به لحاظ اعتقادی، ملکم‌خان روشنفکری سکولار بود. او نگاهی منفعت‌گرایانه^۱ به دین داشت و آن را سلاحی برای ترویج غرب‌گرایی در ایران می‌دانست (Algar, 1973). به گفته‌ی سرایی و هاشم زهی (۱۳۸۱، ص. ۹۷) در این باره چنین نوشته‌اند:

نگاه او به دین ابزاری بود، شبیه به نگرش غالب عصر روشنگری در غرب. او کاملاً به جدایی دین از سیاست و حتی تضاد دین و علم اعتقاد داشت؛ با این حال، در نوشته‌هایش بسیار کم به دین حمله می‌کرد و این دو را با هم سازگار نشان می‌داد.

ملکم‌خان دریافته بود که مذهب در ایران بسیار قوی است و اعتقاد داشت که حمله به مذهب تنها مقاومت در برابر تغییر را افزایش می‌دهد. بنابراین، سعی کرد از اسلام به عنوان ابزاری برای اصلاحات اجتماعی-سیاسی استفاده کند و تصمیم گرفت ایده‌های مدرن خود را تحت پوشش اسلامی ارائه دهد. وی تأکید داشت که برای ایجاد تغییرات اجتماعی در جامعه ایران، باید قدرت و حمایت علما را در نظر گرفت و تلاش کرد نشان دهد که مدرنیزاسیون با قانون اسلامی (شریعت) ناسازگار نیست و تأسیس ساطن، مشروطه می‌تواند در یک بستر اسلامی امکان‌پذیر باشد (Rokni, 1987). ملکم‌خان تلاش کرد که این موضوع را در کشور جا بیندازد تا بتواند «مردم ایران و عمدتاً علمای شیعه را متقاعد کند که ایده‌های مدرن، از قبیل، در اصول دین اسلام وجود داشته است» (Kia, 1986, p. 155).

۵. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل منابع دست اول، دست دوم و تحلیل محتوایی آن‌ها در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مترجمان پیشگام و اندیشه‌ورز کشور در عصر مشروطه در آشنایی ایرانیان با لزوم توسعه حقوق عمومی ایران در این دوره نقش داشته‌اند و یکی از عوامل آشنایی ایرانیان با آرای متجددانه غربی در رابطه با قانون و نظام

^۱Utilitarian view

حکومتی مشروطه بوده‌اند. تلاش این مترجمان یکی از عوامل افزایش آگاهی ایرانیان در رابطه حقوق انسانی خودشان شد و سبب شد اراده‌ای جمعی در میان طبقات مختلف جامعه شکل بگیرد که در جهت محدود کردن سلطنت قاجار، برقراری عدالت و حکومت قانون، تأسیس مجلس شورای ملی، تصویب و اجرای قانون، پیشرفت کشور و نفی استبداد و استعمار متحد شوند و به مبارزه برخیزند.

نفوذ اندیشه متجددانه غربی در دوره مظفری شدت گرفت و همه مردم حملات خود را متوجه دولتی کردند که دیگر بی‌اعتبار شده بود. در سال ۱۲۸۵ ه.ش. نارضایتی عمومی در ایران به اوج خود رسید و کشور را به سمت انقلاب مشروطه سوق داد. نارضایتی گسترده عمومی منجر به شکل‌گیری سه اعتراض وسیع از سال ۱۲۸۴ ه.ش تا ۱۲۸۵ ه.ش شد که هر یک شدیدتر از قبلی بود. این اعتراضات در نهایت به پیروزی انقلاب مشروطه ایران در سال ۱۲۸۵ ه.ش انجامید که می‌توان آن را نقطه عطفی در تاریخ ایران دانست. این پیروزی منجر به امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ه.ش شد که دستاورد آن تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه در نخستین دوره قانونگذاری بود. این قانون با الهام از قانون اساسی بلژیک و اعلامیه حقوق انسانی و شهروندی دستاورد انقلاب فرانسه نوشته شد که مطالب ترجمه‌شده مترجمان دگراندیش عصر مشروطه در تدوین آن تأثیرگذار بوده است.

منابع

- آرین‌پور، یحیی. *از صبا تا نیما: تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی*. جلد ۱. فرانکلین.
- آذرنگ، عبدالحسین. (۱۳۹۴). *تاریخ ترجمه در ایران. از دوران باستان تا بیان عصر قاجار*. ققنوس.
- استورات میل، جان (۱۳۰۱). *درباره آزادی* [تصنیفات حکیم انگلیسی جان استورات میل]. (میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ترجمه). ش. بازیابی ۱۰۱۴۹ کتابخانه ملی ایران. (۱۸۵۹).
- اصیل، حجت‌الله. (۱۳۷۶). *زندگی و اندیشه‌های میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله*. نشر نی
- اصیل، حجت‌الله. (۱۳۸۴). *میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و نظریه پردازی‌های مدرنیته ایران*. کویر.
- خلخالی، سیدمحمی‌الدین و پوزش، محمد. (۱۳۹۵). *بررسی جریان‌های فکری عصر مشروطه*. *تاریخنامه خوارزمی*. ۱(۱۳)، صص. ۹۲-۱۱۷.
- راسخ، محمد. و بخشی‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۲). *پیش‌زمینه مفهوم قانون در عصر مشروطه: از مالک‌الرقابی تا تنظیمات*. *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۸۳، صص. ۶۱-۳۷.
- سرایبی، حسن. و هاشم زهی، نوروز. (۱۳۸۱). *شرایط اجتماعی و گفتمان‌های روشنفکری در آستانه انقلاب مشروطه*. *جامعه‌شناسی ایران*. ۴(۳)، صص. ۸۱-۱۱۴.

سلیمانی دهکردی، کریم. و رفعتی پناه مهرآبادی، مهدی. (۱۳۹۳). مفهوم آزادی نزد روشنفکران ایرانی پیش از انقلاب مشروطه. *مطالعات تاریخی-فرهنگی*. ۶(۲۲)، صص. ۷۶-۵۳.

شمیم. علی اصغر. (۱۳۸۴). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. چاپ چهارم. زریاب.

عدیلی، سمیه. (۱۴۰۴). نهضت ترجمه در عصر پیشامشروطه و شکل‌گیری گفتمان‌های نسل اول روشنفکران ایرانی. *مطالعات ترجمه*. ۲۳(۸۹)، صص. ۷-۲۴.

عیسی‌نژاد. سیدمه‌مند. (۱۳۸۶). جریان‌های فکری در نهضت مشروطیت و تداوم آنها در تاریخ معاصر. ارائه شده در *جریان‌های فکری مشروطیت: مجموعه سخنرانی‌ها، مقالات و ضمایم*. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. صص. ۳۵۰-۳۷۷.

مستشارالدوله، یوسف‌خان (۱۳۲۵ ه.ق/ ۱۲۸۶ ه.ش). *رساله موسوم به یک کلمه*. مطبعه مبارکه شاهنشاهی.

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله. (رجب ۱۳۰۷/ اسفند ۱۲۶۸). *قانون*. سال اول، شماره ۱، ص. ۱. بازیابی شده از

<https://dl.nlai.ir/UI/6f6087fe-cd33-42d0-a301-61d0244b94cb/LRRView.aspx?History=true>

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله. (رجب ۱۳۰۷/ اسفند ۱۲۶۸). *قانون*. سال اول، شماره ۱، ص. ۳. بازیابی شده از

<https://dl.nlai.ir/UI/6f6087fe-cd33-42d0-a301-61d0244b94cb/LRRView.aspx?History=true>

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله. (شعبان ۱۳۰۷/ فروردین ۱۲۶۹). *قانون*. سال اول، شماره ۲، ص. ۲. بازیابی شده از

<https://dl.nlai.ir/UI/ff141125-f4b8-42cb-ab3f-c5020dabee69/LRRView.aspx?History=true>

میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، (۱۲۹۹ ه.ق/ ۱۲۶۰ ه.ش). *مجلس تنظیمات*. ش. بازیابی ۴۰۰۱۵ کتابخانه ملی ایران.

Abrahamian E. (1979). The Causes of the Constitutional Revolution in Iran.

International Journal of Middle Eastern Studies. 10 (3), pp. 381-414.

Abrahamian, E. (1982). *Iran between Two Revolutions*. Princeton University Press.

Algar, H. (1973). *Mirza Malkom Khan: A Biographical Study to Iranian Modernism*. University of California Press.

Farahzad, F. & Adili, S. (2019). Translation, Modernization and Enlightenment: The Qajar Translation Movement. *Translation Studies*. 17(66), pp. 8-23.

- Fard Saidi, M. (1947). *The Early Phases of Political Modernization in Iran:1870- 1925*. (Unpublished doctoral dissertation). The University of Pennsylvania.
- Haeri, A. (1977). *Shi'ism and Constitutionalism in Iran: a study of the role played by the Persian residents of Iraq in Iranian politic*. Brill Academic Publishers.
- Javadi, R. (2017). *In Search of House of Justice: Competition for Monopoly of Thought in the Emerging Juridical Field in Iranian Constitutional Revolution (1906-1911)*. (Unpublished master's thesis). Central European University.
- Kia, A. A. (1986). *A Review of Journalism in Iran: The Frictions of the Press and Traditional Communication Channels in the Constitutional Revolution of Iran*. (Unpublished doctoral dissertation) University of Wollongong.
- Ma'azallahi, P. (2021). Translational resistance and constitutional movement: the case of On-word Treaties in constitutional narrative community. *Translation Studies*. 19(75), pp. 23-37.
- Rokni, M. (1987). *The Project of Modernity in Iran, 1850 to 1900: Reinterpretation*. (Unpublished doctoral dissertation). The American University.
- Seyed-Gohrab. A. & McGlinn, S. (2007). *The Essence of Modernity:m Mirza Yousof Khan Mustashar ad-Dowla Tabrizi 's Treatise on Codified Law (Yak Kalame)*. Kozenberg Publishers & Purdue University Press.
- Shahriari, K. (2017). Malkom Khan's Approach toward political Modernization from bove in Iran. *International Journal of Culture and History*. 4(1), pp. 31-46.
- Tavakoli Targhi, M. (1988). *The Formation of two Revolutionary Discourse in Modern Iran: The Constitutional Revolution of 1905-1906 and the Islamic Revolution of 1978-1974*. (Unpublished doctoral dissertation). The University of Chicago.